

## مقدمه

بزهکاری پدیده‌ای است که در طول تاریخ حیات بشر ابعاد فردی و اجتماعی زندگی وی را تحت تأثیر قرار داده است. ارتکاب جرم و نقض قوانین جامعه از یک سو افرادی را از مدار همزیستی مطلوب با جامعه خارج کرده و واکنش جامعه را در پی داشته است و از سوی دیگر فلسفه زندگی اجتماعی انسان (تأمین امنیت، رفاه و رفع نیازهای مشترک) را به چالش کشیده است. به همین دلیل پیشگیری از ارتکاب جرم همواره مورد توجه جوامع مختلف بوده و رویکردهای مختلفی برای نیل به این هدف اتخاذ شده است. ارباب، سزادهی، ناتوان‌سازی، حفاظت از آماج جرم، حذف موقعیتهای جرم‌زا و بالا بردن خطر ارتکاب جرم از جمله راهکارهای تجربه شده بشر در این زمینه است. با این همه، افزایش ارتکاب جرم نشان‌دهنده ناکارآمدی راهکارهای تجربه شده است. عدم توفیق رویکردهای کیفری و وضعی در پیشگیری از جرم و تلاش جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان در شناخت بهتر زمینه‌های ارتکاب جرم موجب شده، تا رویکردی نوین با عنوان «پیشگیری رشدمدار»<sup>۱</sup> محور مطالعات و اقدامات پیشگیرانه سازمانهای بین‌المللی، منطقه‌ای و بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان قرار گیرد. در این رویکرد که گامی فراتر از پیشگیری از وقوع جرم بوده، و به «پیشگیری از مجرمیت»<sup>۲</sup> می‌اندیشد، گرایش به ارتکاب جرم نه یک واقعه بلکه یک مسیر تلقی می‌شود که از دوران کودکی و نوجوانی آغاز می‌گردد.

انسان از آغاز حیات تا رسیدن به سن بلوغ مراحل متعددی از رشد را طی

- 
1. developmental crime prevention
  2. criminality prevention

می‌کند که برخورداری وی از ویژگیهای زیستی و روانی مطلوب و ورود موفقیت‌آمیزش به زندگی اجتماعی و نیز هم‌نوا شدنش با ارزشها، هنجارها و الگوهای پذیرفته شده رفتار اجتماعی، مستلزم آن است که وی مراحل رشد را به نحو مطلوب پشت سر بگذارد؛ و چنانچه عوامل مرتبط با رشد، جامعه‌پذیری و کنترل کودک در مراحل مختلف رشد وی دچار اختلال در کارکردها شوند، چنین کودک و نوجوانی در معرض خطر انحراف از مسیر انطباق با ارزشها، هنجارها و الگوهای پذیرفته شده رفتار اجتماعی و ارتکاب جرم قرار می‌گیرد.

مسیر کودکان و نوجوانان در مراحل رشد تا رسیدن به سن بلوغ در معرض دو دسته از خطرات قرار دارد. یک دسته از این خطرات کارکرد منفی یا اختلال در کارکردهای مثبت نهادهایی است که کودک «مسیر رشد»<sup>۱</sup> خود را در ارتباط با آنان سپری می‌کند. مهم‌ترین این نهادها خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه‌هاست. دسته دیگر، وقایعی است که می‌توان از آنها به عنوان «پرتگاههای خطر در مسیر رشد»<sup>۲</sup> کودکان یاد کرد. از دیدگاه پیشگیری رشد‌مدار این عوامل خطر گذرگاههایی به سوی بزهکاری است که باید شناسایی و پیش از آنکه به مسیرهایی پرتردد به سوی بزهکاری تبدیل شوند، آنها را مسدود کرد. بنابراین راهکار پیشگیرانه رویکرد رشد‌مدار مبتنی بر شناسایی عوامل خطر گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری و انجام مداخلات حمایتی برای مرتفع کردن این عوامل و یا کاهش آثار آسیب‌زای آنهاست.

سازمان ملل متحد نیز اصول اساسی رهنمودهای خود را در زمینه پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان بر تضمین حق رشد کلیه جوانان در معرض خطرات اجتماعی و لزوم مراقبت و حمایت ویژه از آنان استوار کرده و کارکردهای اساسی خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه‌ها را مورد توجه قرار داده است. این کتاب با تکیه بر این مبنا که به استناد مصرحات اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی، رفع عوامل خطر گرایش به بزهکاری از مسیر رشد اطفال و نوجوانان حق آنان و تکلیف جامعه

1. developmental pathway  
2. turning points

است با رویکردی حق‌محور به پیشگیری رشد‌مدار نگریده، عوامل مؤثر در خطر گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری در مسیر رشد و نهادهای ذی‌نقش در این رابطه و نیز موقعیتهای خطر آنی (پرتگاههای خطر) را مورد بررسی قرار داده است، نمونه‌هایی از عوامل و اقدامات حمایت‌کننده از اطفال و نوجوانان را در مورد هر یک از عوامل خطر ارائه می‌نماید.

پرداختن به مسائل کودکان و نوجوانان در جامعه از جوانب مختلف حائز اهمیت است. کودکان و نوجوانان از یک سو به دلیل ضعف در همه ابعاد جسمی و فکری نیازمند حمایت و توجه‌اند و جامعه مکلف به تأمین و تضمین حقوق رشدی آنهاست. علاوه بر تکلیفی که جامعه در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان بر عهده دارد، سرمایه‌گذاری اجتماعی کودک‌محور نیز تدبیری اساسی و آینده‌ساز برای جامعه است.

وضعیت کودکان و نوجوانان در هر جامعه آینه‌ای است که به وضوح می‌توان در آن سیمای آینده هر جامعه را مشاهده کرد. در میان مسائل مختلف کودکان، بزهکاری اطفال و نوجوانان اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. کودکی و نوجوانی حساس‌ترین دوران رشد انسان است. کودکان و نوجوانان برای رشد نیازمند حمایت و مراقبت ویژه‌اند و جامعه مکلف است با فراهم کردن شرایط مطلوب رشد، آنان را به عناصری هم‌نوا و مفید تبدیل کند. توجه به خطر گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری از ابعاد فردی و اجتماعی حائز اهمیت است. گرایش به بزهکاری در دوران کودکی، اطفال و نوجوانان را از طی مسیر رشد و تعالی بازداشته، جایگاه آینده آنان را در اجتماع به مخاطره می‌اندازد. از آنجا که دوران کودکی دوران شکل‌گیری شخصیت اطفال و نوجوانان است بروز انحراف در این دوران موجب مزمن شدن بزهکاری در سنین بزرگسالی خواهد شد. علاوه بر این آنچه خطر گرایش به بزهکاری را در کودکان و نوجوانان بیشتر جلوه‌گر می‌کند خصوصیات ویژه این دوران است. نوجوانان از سویی در حال تجربه هویت مستقل‌اند و از سوی دیگر به دلیل روحیه خطرپذیری، ماجراجویی و تهور به انجام موارد ممنوعه گرایش

پیدا می‌کنند و چون آگاهی و مهارت‌های لازم را برای تشخیص شرایط و عواقب رفتارهای مخاطره‌آمیز ندارند خطر بزهکاری در آنان افزایش می‌یابد.

مراقبت و حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر بزهکاری را می‌توان با مراقبت از یک نهال نورسته تمثیل کرد. ایجاد شرایط مناسب آب‌وهوا، خاک و نیز رفع علفهای هرز و سایر عوامل نامطلوب مؤثر بر رشد گیاه در دوران آغاز رشد اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. باغبانی که از وضعیت نهال خویش غافل بوده، و با جدیت شرایط مطلوب را برای آن فراهم نکند، نمی‌تواند انتظار درختی ثمربخش را در آینده داشته باشد. همچنین به دلیل آنکه در دوران کودکی و نوجوانی انحراف و بزهکاری در شخصیت افراد قوت نیافته و تثبیت نشده است، دفع خطر از آنان بسیار آسان‌تر بوده، و قرار داشتن آنان در دوران یادگیری و انعطاف‌پذیری، انجام اقدامات حمایتی را بسیار مؤثر خواهد کرد. از همین روست که امروزه راهبرد بین‌المللی پیشگیری از جرم از سطح سوم (سزادهی، ناتوان‌سازی، اصلاح و درمان مجرمان) به پیشگیری زودرس تغییر کرده و در حال حرکت به سوی ترکیبی از راهبردهای پیشگیری اولیه (پیشگیری عمومی) و پیشگیری ثانویه (پیشگیری از بزهکاری افراد در معرض خطر) است. این رویکرد را به روشنی می‌توان در اسناد بین‌المللی ذی‌ربط یافت.

سازمان ملل متحد با تأکید بر اینکه کودکان و نوجوانان بیش از هر گروه سنی دیگری در معرض گرایش به رفتار انحرافی قرار دارند دولتها را مکلف کرده است، امکاناتی را فراهم کنند تا کودکان و نوجوانان را به سوی روند شخصیتی و تعلیم و تربیتی عاری از جرم و بزهکاری هدایت کنند (بند ۲-۱ اصول کلی قواعد پکن)<sup>۱</sup>. این سازمان محور برنامه‌های پیشگیری از جرم را رفاه جوانان در دوران کودکی و نیز پیشگیری موفقیت‌آمیز از بزهکاری نوجوانان را مستلزم توجه به رشد شخصیت کودکان و نوجوانان از اوان کودکی می‌داند (بندهای ۲ و ۴ اصول اساسی

۱. قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای دادرسی نوجوانان (قواعد پکن)، قطعنامه ۴۰/۳۳ مصوب مجمع عمومی، مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵.

رهنمودهای ریاض)<sup>۱</sup> همچنین کمیته وزیران کشورهای عضو شورای اروپا در مصوبه شماره بیست سال ۲۰۰۰، رویکرد پیشگیرانه این شورا را بر پیشگیری زودرس استوار ساخته و راهکار اجرایی آن را انجام فعالیتهای و اقداماتی دانسته است که با هدف شناسایی اطفال در معرض خطر و کاهش احتمال درگیر شدن آنان در فعالیتهای مجرمانه پایدار در آینده صورت می‌گیرد.<sup>۲</sup> استقرار رویکرد بین‌المللی پیشگیری از جرم بر محور پیشگیری زودرس از بزهکاری اطفال و نوجوانان در معرض خطر، حاکی از اهمیت فوق‌العاده این نگرش نوین است.

با مطرح شدن پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان به عنوان محور بین‌المللی پیشگیری از جرم، انجام پژوهشهای علمی در این زمینه ضروری‌ترین گام اجرایی شدن این رویکرد است. شناسایی عوامل خطر گرایش به بزهکاری و همچنین شناسایی عوامل حمایت‌کننده کودکان و نوجوانان در مقابل این خطرها، دو رکن اصلی پیشگیری رشدمدار را تشکیل می‌دهند. بدیهی است که برای شناسایی و تبیین نظری عوامل خطر لازم است پژوهشهای علمی در این زمینه انجام گیرد و این رسالت به ویژه بر دوش پژوهشگران حوزه جرم‌شناسی است. پژوهشهای جرم‌شناختی پیرامون علل وقوع پدیده مجرمانه تعامل فرد و جامعه را در شکل‌گیری این پدیده مؤثر دانسته، دفاع از جامعه در برابر پدیده مجرمانه را از طریق دفاع از آحاد افراد جامعه ممکن می‌داند و بنابراین به بررسی زمینه‌های گرایش افراد به ارتکاب جرم می‌پردازد. از این رو جهت‌گیری نهادهای دانشگاهی در حوزه جرم‌شناسی در راستای شناسایی عوامل خطر گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری اقدامی بسیار ضروری است. این ضرورت مورد تأکید سازمانهای بین‌المللی نیز واقع شده است. رهنمودهای سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان بر لزوم تهیه اطلاعات علمی در زمینه رفتارها و شرایطی که موجب تعدی

۱. رهنمودهای سازمان ملل برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض)، قطعنامه

۴۵/۱۱۲ مجمع عمومی مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰.

۲. نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۶.

جسمانی، روانی، سوءرفتار و بهره‌کشی از کودکان و نوجوانان می‌شود تأکید کرده است.<sup>۱</sup> همچنین از آنجا که مطابق اسناد لازم‌الاجرای سازمان ملل متحد به کشورهای عضو توصیه شده است که اصول و مقررات کنوانسیونهای بین‌المللی در حمایت از حقوق کودکان را ترویج کنند، و به طرق مناسب به اطلاع همگان برسانند، این پژوهش تبیین حقوق رشدمدارانه کودکان و نوجوانان را در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی ضروری می‌داند. سازمان ملل متحد در رهنمود دیگری درباره پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان، اتخاذ نظریه‌ها و رویکردهای تخصصی در زمینه پیشگیری و تشکیل شبکه حمایتی به منظور کاهش انگیزه‌های گرایش به ارتکاب جرم را ضروری دانسته است.<sup>۲</sup> در همین راستا شورای اروپا در مصوبه شماره بیست سال ۲۰۰۰ شناسایی عوامل خطر گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری و نیز شناسایی عوامل حمایت‌کننده از آنان در برابر این خطرات را به عنوان ضرورت‌های پژوهشی به کشورهای عضو توصیه کرده است.<sup>۳</sup>

بدون تردید پیشگیری از بزهکاری اولویت اول در سیاست‌گذارهای جنایی کشورهای مختلف است. این پیشگیری در درجه اول متوجه کسانی است که در معرض خطر ارتکاب جرم قرار دارند و در این میان اطفال و نوجوانان در معرض خطر از اولویت برجسته‌ای برخوردارند. این اولویت از سویی به دلیل وضعیت خاص دوران کودکی است. کودکان و نوجوانان به دلیل ضعف در ابعاد جسمی و فکری قادر به رها ساختن خود از شرایط خطر نیستند و این امر آنان را در بالاترین درجه استحقاق اقدامات حمایتی قرار می‌دهد. از طرف دیگر از آنجا که کودکان و نوجوانان به دلیل ضعف جسمی و فکری استحقاق حمایت و مراقبت دارند و کشورهای مختلف بر اساس تعهدات بین‌المللی و قوانین داخلی مکلف به رعایت حقوق رشدمدارانه و رهایی بخشیدن آنان از شرایط خطر می‌باشند، تلاش برای

---

۱. بند ۴۹ رهنمودهای ریاض

۲. بند ۵ رهنمودهای ریاض

۳. نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۶.

پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان در معرض خطر، مبنایی حق محور دارد. به عبارت دیگر این حق کودکان در معرض خطر است که با انجام پژوهشهای علمی، عوامل خطر گرایش به بزهکاری در زندگی آنان شناسایی و مداخلات حمایتی برای نجات آنان از شرایط خطر معمول گردد. به طوری که در خصوص این کودکان می توان از «حقوق پیشگیری رشدمدار» و یا «حقوق جرم شناختی»<sup>۱</sup> سخن گفت.

وجه دیگر اولویت پژوهش در زمینه پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان در معرض خطر، اولویت سرمایه گذاری انسانی برای آینده جامعه است. همان گونه که در سیمای بزرگسالان و کهنسالان جامعه می توان تصویری از عمر سپری شده را مشاهده کرد در چهره کودکان و نوجوانان نیز می توان آینده جامعه را یافت. اصولاً از بعد هزینه - منفعت نیز سرمایه گذاری و تلاشی اولویت دارد که منافع طولانی تری را به دست دهد و بدیهی است نتیجه ای که جامعه از زندانی کردن یک فرد بزرگسال به دست می آورد در مقابل منافع حاصل از جلوگیری از بزهکار شدن یک کودک بسیار ناچیز است، این تفاوت با فرض نجات یک بزرگسال و یک کودک از ورطه بزهکاری و همچنین به سادگی از تفاوت سن یک کودک و یک بزرگسال قابل سنجش است. علاوه بر موارد ذکر شده، افزایش نرخ بزهکاری اطفال و نوجوانان در کشورهای مختلف نیز این مسئله را به چالش عمده دولتها در چند دهه اخیر تبدیل کرده است. در کنار آمارهای تکان دهنده درباره افزایش بزهکاری نوجوانان در سایر کشورها، این آمار در مورد جامعه ایران نیز بسیار هشداردهنده است. آمار حاکی از آن است که حدود ۴۰ درصد از چهارصد هزار جوان و نوجوان که سالانه وارد زندانهای کشور می شوند، زیر سن ۱۸ سال قرار دارند.<sup>۲</sup> افزایش نرخ بزهکاری اطفال و نوجوانان در ایران از آنجا نگران کننده تر است که بدانیم ایران جزء جوان ترین کشورهای جهان است. مطابق سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، حدود ۴۰ درصد از جمعیت ۷۰۴۹۵۷۸۲ نفری کشور، کمتر از ۱۸ سال و

1. crimino logical rights

۲. عبداللهی، ۱۳۸۴، ص ۱.

حدود ۶۰ درصد جمعیت، زیر سن ۲۹ سال قرار دارند<sup>۱</sup> که با احتساب جمعیت بین ۱۵ تا ۱۸ سال می‌توان گفت نیمی از جمعیت کشور. بنابراین با توجه به جوان بودن جمعیت کشور و افزایش نرخ بزهکاری در بین اطفال و نوجوانان، پرداختن به مسئله پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان در معرض خطر در ایران از اولویت مضاعفی برخوردار است.

این پژوهش در پی تحقق چند هدف عمده است، ارائه تبیینی حق‌محور از پیشگیری رشدمدار<sup>۲</sup> یکی از اهداف مهم این پژوهش است. همچنان که در اکثر اسناد بین‌المللی درباره حقوق کودک (اعم از ارشادی و الزام‌آور) ذکر گردیده است، اطفال و نوجوانان به دلیل ضعف و ناتوانی در ابعاد جسمی و فکری استحقاق حمایت و مراقبت دارند<sup>۳</sup> و دولت‌ها مکلف‌اند شرایط مطلوب برای رشد کودکان را فراهم کنند. این پژوهش به دنبال آن است که بر اساس این اسناد بین‌المللی، مهم‌ترین حقوق رشدمداران کودکان و نوجوانان را معرفی کند و آنگاه بر اساس تحقیق میدانی، این فرضیه خود را به اثبات برساند که نقض حقوق رشدمداران‌ای که در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی تصریح شده‌اند، کودکان و نوجوانان را در معرض خطر گرایش به بزهکاری قرار می‌دهد. بنابراین ارائه «حقوق جرم‌شناختی» اطفال و نوجوانان در معرض خطر از اهداف مهم این پژوهش می‌باشد. هدف عمده دیگر این پژوهش آن است که با طرح پرسشهای اساسی درباره عوامل خطر گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری، این عوامل را شناسایی نماید، همچنین با استفاده از تجربه مداخلات حمایتی رشدمدار از اطفال و نوجوانان در معرض خطر در سایر کشورها، راهکارهای عملی را در طراحی و اجرای برنامه‌های جامع پیشگیری رشدمدار ارائه کند. از مهم‌ترین اهداف این پژوهش آن است که با تلفیق دیدگاههای جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و بر اساس پژوهشهای نظری

۱. رجبی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۲۳.

2. right based developmental prevention

۳. این نکته در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۵۹ و پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ ذکر گردیده است.



«نظریه عمومی خطر در پیشگیری رشدمدار» را ارائه نماید. این پژوهش با شناسایی عوامل مختلفی که در مراحل مختلف رشدی کودکان و نوجوانان، آنان را در معرض خطر گرایش به بزهکاری قرار می‌دهد، نظریه‌های تک‌بعدی را که از دیدگاه‌های جرم‌شناختی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به تبیین علل وقوع جرایم پرداخته‌اند، برای تبیین پدیده خطر گرایش به بزهکاری که پدیده‌ای چندعاملی<sup>۱</sup>، تعاملی<sup>۲</sup> و مبتنی بر گذار از مراحل رشد<sup>۳</sup> است، کافی نمی‌داند و به همین دلیل به دنبال ارائه الگوی نظری تلفیقی در تبیین خطر گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری است. تبیین ویژگیها و اصول حاکم بر پیشگیری رشدمدار، تعریف طفل با رویکرد حمایتی، تعریف خطر از دیدگاه رشدمدار، افزایش آگاهی عمومی درباره کودکان در معرض خطر، توجه دادن جامعه به شرایطی که کودکان و نوجوانان را در معرض خطر گرایش به بزهکاری قرار می‌دهد، برجسته نمودن و تأکید بر تعهدات ملی و بین‌المللی دولت در قبال کودکان در معرض خطر از جمله اهداف جزئی‌تر این کتاب است.

بررسی سابقه تحقیقات علمی در کشور پیرامون عوامل خطر گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری نشان می‌دهد که علی‌رغم جهت‌گیری سیاست جنایی پیشگیرانه سازمانهای بین‌المللی به سمت پیشگیری رشدمدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان در معرض خطر، این موضوع به طور جدی مورد توجه نهادهای اجرایی و مجامع علمی کشور واقع نشده است. هرچند به طور موردی تحقیقات پراکنده‌ای در مورد بزهکاری اطفال و نوجوانان انجام گرفته است، این تحقیقات را نمی‌توان نشانه جهت‌گیری سیاست جنایی کشور به سمت پیشگیری رشدمدار دانست. عناوین برخی از تحقیقات انجام شده در کشور درباره بزهکاری اطفال و نوجوانان در سه دهه اخیر در جدول زیر خلاصه شده است.<sup>۴</sup>

1. multifactorial
2. interactional
3. transitional

۴. محمدی اصل، ۱۳۸۲، ص ۱۳۹.

عنوان تحقیق	سال	محقق	روش
علل بزهکاری جوانان	۱۳۴۷	ارباب	کتابخانه‌ای
اثر محیط در بزهکاری نوجوانان	۱۳۴۷-۱۳۴۸	کوزه گران	کتابخانه‌ای
بررسی علل بزهکاری جوانان	۱۳۴۸-۱۳۴۹	موسی زاده	میدانی
تحلیل خلافتکاری کودکان	۱۳۵۰	سپهری	کتابخانه‌ای
بزهکاری نوجوانان	۱۳۵۲	بهبزادی	کتابخانه‌ای
علل و عوامل جرم جوانان	۱۳۵۳	ابوالقاسمی	کتابخانه‌ای
عوامل اجتماعی جرم	۱۳۵۵	بهروش	کتابخانه‌ای
بررسی علل بزهکاری نوجوانان	۱۳۵۷	فاروقیان	میدانی
شناخت مشکلات رفتاری نوجوانان	۱۳۵۹	نوابی نژاد	میدانی
علل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان	۱۳۶۷	استادان دانشگاه علامه طباطبایی	میدانی
تحلیلی بر جرایم نوجوانان	۱۳۶۹	یاسایی	کتابخانه‌ای

همچنین در مجامع دانشگاهی نیز تعدادی از رساله‌های تحصیلی به بزهکاری اطفال اختصاص یافته‌اند که عناوین برخی از آنها را می‌توان به ترتیب ذیل برشمرد.

عنوان رساله	مقطع	سال	محقق	استاد راهنما
جرایم علیه اطفال در حقوق ایران و انگلیس	کارشناس ارشد	۱۳۷۷	رضایی	دکتر مهدوی ثابت
مطالعه نظری و عملی جرایم علیه اطفال	کارشناس ارشد	۱۳۷۲	روح‌افزا	دکتر نجفی ابرندآبادی
حمایت کیفری از صغار در برابر جرایم جنسی	کارشناس ارشد	۱۳۷۶	قناد	دکتر نجفی ابرندآبادی
حمایت کیفری از صغار در قوانین ایران	کارشناس ارشد	۱۳۷۴	انجم شعاع	دکتر اردبیلی
پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان در اسناد بین‌المللی	کارشناس ارشد	۱۳۸۰	اکبری	دکتر معظمی
پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان	کارشناس ارشد	۱۳۸۶	حسین	دکتر معظمی
اطفال در معرض خطر (بزه‌دیدگی)	کارشناس ارشد	۱۳۸۵	بزرگی	دکتر نجفی ابرندآبادی

با وجود آنکه تحقیق بر اساس آزمایش متغیرها در طول زمان به دلیل محدودیت فرصت انجام رساله‌های دانشجویی به سهولت مقدور نیست و انجام چنین تحقیقاتی مستلزم حمایت و پشتیبانی طولانی‌مدت از اجرای طرح‌های تحقیقاتی توسط نهادهای دولتی ذی‌ربط می‌باشد، لکن می‌توان با جهت‌دهی پژوهش‌های علمی دانشگاهی به سوی تحقیقات نظری و تطبیقی، به تبیین عوامل خطر گرایش به بزهکاری در بین اطفال و نوجوانان پرداخت و با رویکرد پس‌نگر، شرایط خطر را در زندگی اطفال و نوجوانان بزهکار ارزیابی نمود و آنها را بر وضعیت کودکان و نوجوانان در معرض خطر تطبیق داد. با وجود فقدان پیشینه تحقیقاتی قابل‌اعتنا در کشور، در این خصوص در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان مانند امریکای شمالی، اروپا و استرالیا تحقیقات طولانی‌مدت فراوانی به صورت آزمایش متغیرهای خطر آفرین در زمینه بزهکاری اطفال و نوجوانان به انجام رسیده است که در جدول ذیل به برخی پژوهش‌های مهم در این زمینه اشاره می‌شود:

سابقه چند دهه پژوهش‌های رشد‌مدار در کشورهای پیشرفته جهان و نتایج حاصل از این تحقیقات را می‌توان عامل اصلی چرخش سیاست جنایی سازمان‌های بین‌المللی به سوی پیشگیری رشد‌مدار دانست.<sup>۱</sup>

این کتاب مشتمل بر یک مقدمه، یک بخش تمهیدی، دو بخش اصلی، نتیجه‌گیری و پیشنهادات است. بخش تمهیدی که به تبیین پیشگیری رشد‌مدار اختصاص یافته است، در قالب دو فصل به تشریح ویژگیها، اصول و مبانی پیشگیری رشد‌مدار و تعریف طفل از دیدگاه حمایتی پرداخته، مفهوم خطر و اطفال در معرض خطر بزهکاری را نیز ارائه می‌کند. همچنین ضمن بررسی حقوق رشد‌مدارانه کودکان و نوجوانان در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی به تبیین مبنای «حق‌محور» در پیشگیری رشد‌مدار می‌پردازد.

---

۱. تعدادی از پیشگامان و نظریه‌پردازان پیشگیری رشد‌مدار در کتاب ارزشمند *Evidence Based Crime Prevention*, Sherman et al 2006، ۶۰۰ برنامه اجرا شده پیشگیری رشد‌مدار را در کشورهای مختلف تشریح و مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

عنوان پژوهش	مجری طرح	مدت طرح	گروه هدف	محل اجرای طرح	سال اجرا
پروژه پیش از تولد و نوزادی اولدز (Olds) و همکاران کودکان در معرض خطر	اولدز (Olds) و همکاران	۲ سال	مادران در معرض خطر	المیرا - نیویورک	۱۹۹۸-۱۹۹۷
پروژه پیش از تولد	کیتزمن (Kitzman) و همکاران	۲ سال	مادران دارای دو نشان خطر	ممفیس - تنسی	۱۹۹۷
پروژه توسعه اجتماعی سیاتل	هاوکنیز (Hawkins) و همکاران	۴ تا ۶ سال	کودکان مناطق جرم خیز	واشینگتن	۱۹۹۹-۱۹۹۲
مطالعات آزمایشی طولانی مدت	ترمبلی (Tremblay) و همکاران	۲ سال تحصیلی	کودکان اخلاص گر طبقات پایین جامعه	تورنتو - کانادا	۱۹۹۵
مطالعات جوانان کمبریج - سامرویل	مک کورد (McCord)	۵/۵ سال	کودکان مشکل ساز	ماساچوست	۱۹۷۸
برنامه کودکان در معرض خطر	هارل (Harrell) و همکاران	۲ سال	کودکان در معرض خطر از نظر شخصی - خانوادگی و مدرسه	امریکا	۱۹۹۹-۱۹۹۷
همنشین درمانی	گودمن (Goodman)	۲ سال	نوجوانان ۱۰-۱۱ ساله	برکلی - امریکا	۱۹۷۲

بخش اول در قالب چهار فصل، عوامل خطر گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری را از دیدگاه رشدمدار تشریح نموده، این عوامل را در سطح فردی و نیز نهادهای اولیه تربیتی کودکان و نوجوانان یعنی خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش دوم این پژوهش در قالب پنج فصل به بیان عوامل و اقدامات حمایت‌کننده در شرایط و زمینه‌های مختلف خطر می‌پردازد و قبل از بیان عوامل و اقدامات حمایت‌کننده اصول لازم‌الرعايه در طراحی و اجرای مداخلات پیشگیرانه را به منظور تبیین نحوه اجرای مداخلات پیشگیرانه رشدمدار تشریح می‌نماید. در خاتمه نیز به عنوان نتایج حاصل از نظریه عمومی خطر گرایش به بزهکاری از دیدگاه رشدمدار و دیدگاه حق‌محور از پیشگیری رشدمدار ارائه گردیده است. پیشنهادات در سه زمینه پیشنهادهای ساختاری و نهادی، پیشنهادهای اجرایی و پیشنهادهای پژوهش تکمیلی برای دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌ها ارائه شده است. محقق در پایان از خداوند بزرگ و بی‌همتا می‌خواهد که سالهای تلاش برای اتمام این اثر را به عنوان تلاشی در حد تمام بضاعت مؤلف برای رساندن پیام استمداد اطفال و نوجوانان در معرض خطر و نجات آنان از ورطه بزهکاری به لطف و عنایت خویش، به عنوان خدمتی به کودکان بی‌پناه در درگاه خویش پذیرد و از اساتید ارجمند و محققان گرامی می‌خواهد که با بیان مشفقانه نظرهای ارزشمند خود، وی را در پیمودن راه خطیری که مشتاقانه در ابتدای آن ایستاده است یاری دهند.

این تلاش گامی است با تمام شوق در انجام تعهد علمی در قبال کودکانی که مظلومانه در شرایط خطر دست‌وپا می‌زنند و اندیشمندان جامعه خویش را به یاری و امداد می‌طلبند.

محمود مهدوی

شهریور ۱۳۸۸